



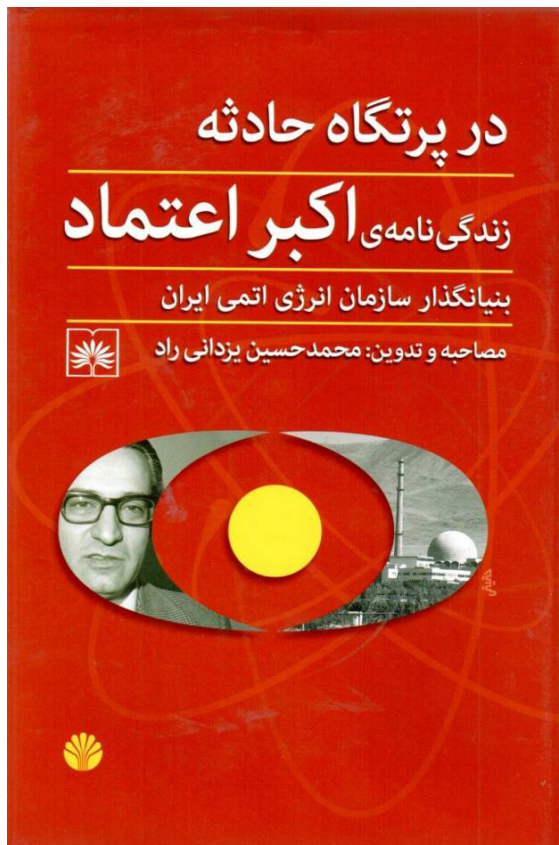
## نقد بررسی کتاب: در پرتگاه حادثه

شفیقه نیک‌نفس<sup>۱</sup>

در پرتگاه حادثه: زندگینامه اکبر اعتماد، بنیانگذار سازمان انرژی اتمی ایران  
ناشر: نشر اختران، چاپ اول ۱۳۹۶- تعداد صفحات ۵۳۰ برگ  
مصاحبه و تدوین: محمدحسین یزدانی‌راد  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۴۶/۰۰۰ تومان

۱. کارشناس ارشد رشته تاریخ، رئیس گروه  
تاریخ‌شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
ایران: shafighehniknafs@yahoo.com





کتاب در پرتگاه حادثه، شامل مجموعه مصاحبه با اکبر اعتماد است که به عنوان بنیانگذار سازمان انرژی اتمی ایران و پدر انرژی اتمی ایران شناخته می‌شود. پیش از این نیز در طرح تاریخ شفاهی هاروارد، غلامرضا افخمی با وی مصاحبه نموده و از این طریق، کتاب خاطرات اکبر اعتماد چاپ شده که آن هم شامل مصاحبه تاریخ شفاهی و شامل فعالیت‌های این شخصیت طی سال‌های ۱۳۴۴ الی ۱۳۵۷ است. کتاب اخیر در ایران، توسط نشر صفحه سفید به انتشار رسیده است. کتاب در پرتگاه حادثه نیز بر اساس مصاحبه با این چهره علمی و اداری و در راستای فعالیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه تاریخ شفاهی و در مدیریت اسناد و کتابخانه ملی استان همدان انجام شده است. به این مناسبت که وی اهل همدان است و داستان زندگی وی از این شهر آغاز می‌شود.

پیشگفتار کتاب به قلم علی‌رضا تکلو، مدیر سازمان اسناد و کتابخانه ملی مرکز همدان نوشته شده است و بیانگر اهمیت و نقش‌آفرینی جایگاه تاریخ شفاهی در جهان و ایران است. مقدمه کتاب به قلم محمدحسین یزدانی‌راد - که نقش اصلی او در خلق این اثر، نقش‌آفرینی در جایگاه مصاحبه‌گر است - نوشته شده و در این بخش زندگینامه آقای اعتماد به اختصار و موجز اشاره شده



است. ناشر آن، نشر اختران است که یک ناشر خصوصی است و در اینجا در جایگاه مشارکت‌جوینده با سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ایفای نقش نموده است.

پیش از آن که به بررسی محتوای کتاب بپردازیم، جا دارد که به اثر هنرمندانه ابراهیم حقیقی در طراحی جلد کتاب اشاره شود. رنگ جلد به رنگ آجری مایل به قهوه‌ای است که با وجود عناصر بصری آن که ترکیبی است از مدار هسته اتم، تأسیسات اتمی و چهره اکبر اعتماد، با محتوای کتاب در تناسب بوده و همخوانی دارد. جلد این کتاب به صورت دو آرمه - به معنای نقش‌آفرینی مشترک سازمان اسناد و کتابخانه ملی با انتشارات اختران - تهیه شده است.

همچنان که اشاره شد این کتاب شامل مصاحبه تاریخ‌شفاهی با اکبر اعتماد است که به تعداد ۳۰ جلسه به درازا کشیده و مانند اغلب مصاحبه‌های شخصیت‌محور، قالب زندگینامه‌ای دارد و داستان زندگی مصاحبه‌شونده را از دوران کودکی آغاز و روند آن را به‌ترتیب تاریخی پی می‌گیرد. کتاب ساختار مصاحبه را دارد و در شش بخش اصلی و یک بخش پیوست تنظیم شده است. در بخش‌های اصلی محوریت موضوعی بر اساس موضوع سازمان انرژی اتمی ایران پایه‌گذاری شده است. عنوان شش بخش اصلی عبارتند از ۱- کودکی و نوجوانی، ۲- خارج از ایران، ۳- آغاز کار در ایران، ۴- سازمان انرژی اتمی ایران، ۵- رابطه با کشورها، سازمان‌ها و رهبران خارجی، ۶- رابطه با دولت و عوامل صاحب‌نفوذ دولتی و غیردولتی. برخی از موضوع‌های مهم این کتاب عبارتند از: تشکیل دفتر انرژی اتمی، تکمیل رآکتور اتمی و آزمایشگاه‌های مرکز اتمی دانشگاه تهران، همکاری در تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی، تأسیس دانشگاه بوعلی‌سینا و دانشگاه آزاد، تأمین نیروی انسانی و سوخت اتمی در سازمان انرژی اتمی، برنامه ساخت نیروگاه‌های اتمی، قرارداد منع گسترش سلاح هسته‌ای، کنفرانس انتقال تکنولوژی هسته‌ای در شیراز و تخت جمشید، شرکت کروپ و کارخانه نمک‌زدائی برای بوشهر، شاه و سازمان انرژی اتمی و بازگشت به ایران. داستان زندگی اکبر اعتماد از همدان آغاز می‌شود. دوران کودکی او مقارن بود با وقوع جنگ دوم جهانی و کمبود امکانات رفاهی زندگی. او بخشی از تحصیلات خود را در همدان و سپس در تهران سپری می‌کند و برای ادامه تحصیل در سطح عالی در سال ۱۹۵۰ به سوئیس می‌رود. او ضمن بیان خاطرات خود اظهار می‌دارد که «اگر این نکات را می‌گویم بیشتر سختم با جوانان امروز است برای این که من فردا نخواهم بود و جوانان امروز باید بدانند که مسیر زندگی چگونه اشخاص را به‌پیش می‌برد. مهم‌ترین نکته خواستن و اراده قوی و کوشش در جهت به‌نتیجه رسیدن است» (ص ۳۳). او در سوئیس رشته مهندسی برق را انتخاب کرد. تحصیل او در این دوره ۱۵ سال به‌طول انجامید. یکی از دغدغه‌های وی پایبندی به حفظ زبان فارسی در حافظه خود بود. علاقمندی وی به حزب توده و برخی فعالیت‌های حزبی در جهت آرمان‌های آن حزب، موجب ایجاد مشکلات اقامتی برای وی و قطع‌شدن ارزش تحصیلی وی شد که این دوران با سختی‌های

1. Brown Boveri
2. Saclay

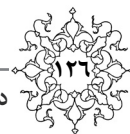


زیادی همراه بود. پس از سپری شدن این دوران تنگناهای سخت و اتمام این مقطع تحصیلی در کارخانه براون باوری<sup>۱</sup> استخدام شد که کارخانه تولید برق بود. در جستجوی راهی برای ارتقای دانش خود وارد مرکز تحقیقات اتمی ساکلی<sup>۲</sup> در حوالی پاریس شد و با وجود مشکلات اقامتی موفق به گذراندن دوره مهندسی هسته‌ای شد. در این دوره با مشکلات سختی در زمینه دریافت ویزا و مخارج تحصیل روبه‌رو بود. در ادامه به براون باوری در سوئیس بازگشت و پس از چند ماهی در انستیتو تحقیقات راکتور هسته‌ای استخدام شد و هم‌زمان به تهیه رساله دکترا مشغول شد. این اتفاق در دسامبر ۱۹۵۹ افتاد و او به مدت پنج سال و نیم در بخش حفاظت از راکتورها کار کرد و در این مدت موفق شد رساله دکترای خود را به پایان برساند و با مجامع بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط قرار بگیرد. مدتی بعد تصمیم گرفت به ایران بازگردد.

بازگشت به ایران و شروع فعالیت در بخش دولتی، یکی از بخش‌های اصلی کتاب است که در بخش سوم مندرج است. اعتماد در ایران به استخدام سازمان برنامه درآمد و هم‌زمان به تدریس در مرکز اتمی دانشگاه تهران در مقطع فوق‌لیسانس شد. اما به دلیل ناآشنائی دانشجویان با مباحث فیزیک اتم و عدم اعتنای کادر علمی دانشگاه به وی به عنوان متخصص فیزیک هسته‌ای از تدریس در دانشگاه منصرف شد.

در این زمان ایران، در پی اجرای یک موافقتنامه هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خواهان تشکیل کمیسیون انرژی اتمی بود. این اقدام بنابر موافقتنامه بین‌المللی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شده بود و بنابر این موافقتنامه بنا شده بود که در همه کشورها، این کمیسیون زیر نظر نخست‌وزیر تشکیل شود و هدف اصلی آن نیز تأمین انرژی برق از انرژی اتم بود. حضور اکبر اعتماد در این زمان (۱۹۶۵ میلادی برابر با ۱۳۴۳ شمسی) نقطه امید برای مسئولان بود تا به تعهد بین‌المللی خود عمل کنند. به این ترتیب دفتر انرژی اتمی ابتدا در وزارت اقتصاد و سپس در سازمان برنامه تأسیس شد که وظیفه آن علاوه بر ساختن راکتور اتمی، ایجاد امکانات لازم برای توسعه فعالیت‌های اتمی، تربیت کارشناس اتمی، استفاده از رادیوایزوتوپ‌ها در امور پزشکی، کشاورزی و صنعت بود. برنامه‌های این دفتر در قالب برنامه پنج ساله در برنامه چهارم توسعه گنجانده شد. یکی از اقدامات اعتماد در این دوره، ساخت راکتور اتمی دانشگاه تهران بود که در سال ۱۳۴۷ راکتور و آزمایشگاه‌های مختلف مرکز اتمی دانشگاه تهران آماده بهره‌برداری شد که پایه اولیه سازمان انرژی اتمی ایران بود.

اعتماد به واسطه آشنائی با رضا قطبی -رئیس رادیو تلویزیون ملی ایران از سال ۱۳۴۲ الی ۱۳۵۷- در تأسیس رادیو و تلویزیون ملی ایران نیز نقش مؤثری داشت و عضو شورای عالی رادیو و تلویزیون بود. همچنین او با مجید رهنما برای تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی در تهیه قانون تشکیل و نمودار تشکیلاتی و نحوه عملکرد آن وزارتخانه همکاری نمود. تصدی معاونت علمی و



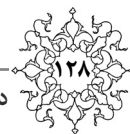
تحقیقاتی این وزارتخانه، دیگر همکاری او با این نهاد بود. محور دیگر گفتگو با اعتماد، تأسیس دانشگاه صنعتی آریامهر یا دانشگاه شریف فعلی است. در این زمینه به کمیسیونی از متخصصان رشته‌های مختلف اشاره شده است که به مدت شش ماه برای برنامه‌ریزی تأسیس این دانشگاه تلاش کردند. اعتماد معتقد است که از طریق برقراری روابط انسانی با افراد می‌توان بسیاری از مسائل را حل کرد. او با این ایده با مشکلات دانشجویان برخورد می‌کرد و بر بسیاری از مشکلات ناشی از بی‌توجهی به مسائل دانشجویان، فائق می‌آمد. در سال ۱۳۴۸ طرح مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی توسط وی تهیه و با تصویب مجلس و با ریاست اعتماد این مؤسسه تأسیس شد. یکی از مراکز چهارگانه این مؤسسه، مرکز خدمات کتابداری بود که سرمنشاء علم کتابداری در ایران است و چهره‌های آشنای کتابداری ایران همچون پوری سلطانی و زهرا شادمان و مهین تفضلی از اعضای این مرکز بودند. اعتماد یکی از دلایل عقب‌افتادگی جامعه در مناطق مختلف کشور را ناآشنائی دانشگاه‌ها با مسائل و نیازمندی‌های واقعی کشور می‌داند. در این رابطه دانشگاه بوعلی‌سینا با هدف ایجاد رشد و تحول منطقه‌ای و رشد و توسعه مناطق عقب‌مانده به‌عنوان دانشگاهی تجربی در سال ۱۳۵۲ تأسیس شد و اکبر اعتماد اولین رئیس آن بود. اما نظر به تأسیس سازمان انرژی اتمی، ریاست دانشگاه بوعلی به فرهاد ریاحی سپرده شد و این امر موجب شد که برنامه‌های تعیین‌شده به اهداف خود دست نیافت. چگونگی تشکیل سازمان انرژی اتمی را در فصل چهارم می‌خوانیم. بنابه گفته‌های آقای اعتماد، تأسیس سازمان انرژی اتمی یکی از اهداف مورد نظر شاه بود که بر روی آن تأکید می‌ورزید. در سال ۱۳۵۳ از وی خواسته شد که این سازمان را راه‌اندازی کند. اعتماد عقیده داشت «انرژی تک‌نوعی خطرناک است و اگر روزی گرفتاری پیش آید و آن منبع انرژی دچار مشکل شود، کشور مختل می‌شود. در صورتی که اگر مملکتی نفت، آب، گاز، اتم و منابع مختلف دیگر را با هم داشته باشد، اگر یکی از آن‌ها مشکل دار شد، با منابع دیگر می‌توان تا مدتی زندگی کرد. بنابراین تأمین نیازهای یک کشور پر جمعیت این نیست که بگوئیم ما این انرژی را می‌خواهیم و یا آن انرژی را می‌خواهیم. باید ترکیب بهینه‌ای از منابع انرژی داشته باشیم (ص ۱۳۰). به گفته او، برنامه این سازمان برای تولید برق، ساخت نیروگاه بود. برنامه دیگر آن ساخت رادیوایزوتوپ بود که اغلب در بین بیمارستان‌ها و مراکز تحقیق و توسعه کشاورزی و صنایع توزیع می‌شد. از جمله اولین مسائل پیش‌روی این سازمان، تأمین نیروی انسانی متخصص بود که بخشی از آن‌ها از داخل و برخی نیز از متخصصان ایرانی خارج از کشور تأمین شد و بعضی از نیازها در این زمینه نیز از طریق اعطای بورس تحصیلی فراهم شد. یکی دیگر از مسائل این سازمان تازه تأسیس، تأمین سوخت اتمی بود که از بغرنج‌ترین مسائل بود و در نهایت از طریق سرمایه‌گذاری در شرکت‌های انگلیسی و آلمانی تأمین شد و لازمه آن ورود به روابط تجاری بین‌المللی بود. مسئله دیگری که در

این بخش به آن اشاره می‌شود، نگرانی مجامع بین‌المللی نسبت به ورود ایران به این صنعت بود که شائبه دستیابی به سلاح اتمی را ایجاد نموده بود. از این جهت ساخت نیروگاه تولید برق اتمی از سوئی و نیز انتخاب رآکتور آب سبک از سوی دیگر تا حدودی این تردید را کاهش داد. احداث نیروگاه اتمی بوشهر، فعالیت صنعتی بزرگ و پرچالشی بود که به اختصار در صفحات ۲۳۲ الی ۲۴۰ و در صفحات دیگر نیز به‌طور پراکنده به آن اشاره شده است. یک نکته جالب در حاشیه این فعالیت عظیم، استفاده از انرژی خنک‌کننده آب نیروگاه برای نمک‌زدائی آب دریا بود که می‌توانست به بی‌آبی منطقه پایان داده و منجر به رونق آن شود.

اکبر اعتماد، فردی با نگرشی جامع نسبت به امور اداره کشور است و نقش تأمین انرژی اتمی را در ارتباط با صنایع دیگر در کشور می‌سنجد. او به مسائل انرژی و ارتباط آن با چرخه اقتصادی کشور و رشد و پیشرفت صنعتی وقوف دارد و نسبت به برنامه‌ریزی در سطح ملی حساسیت و وقوف داشته و به مسئله اتم از دید یک رسالت ملی می‌نگرد. در این رابطه می‌گوید: «تفاوت بین بینش وسیع و برخورد بوروکراتیک در این است که در مورد اول مسائل بزرگ مطرح می‌شوند و در مورد دوم مسائل کوچک. من با مسائل اتم از دید یک رسالت ملی روبه‌رو شدم نه از زاویه یک مأموریت دولتی.» نکته جالبی که او در اینجا مطرح می‌کند این است که وی مجموعه نیروی انسانی سازمان انرژی اتمی را در مسیر ایجاد یک جهش ملی تعریف می‌نماید که در انجام یک رسالت بزرگ با یکدیگر هم‌پیمان بودند و اعتقاد دارد که «این حکم اداری نیست که برای افراد وظیفه تعیین می‌کند، این خود افراد هستند که به خود و وظیفه خود نقش می‌دهند» (ص ۲۲۳). او می‌گوید: «هدف شاه و بنده این بود که پس از دو دهه ایران دارای صنایع پرتوان انرژی اتمی باشد و این مهم جز در قالب برنامه‌ای با حجم بالا قابل ملاحظه عملی نبود. ... در آن موقع همه پیش‌بینی‌ها بر این امر قرار داشت که در آخر سده بیستم انرژی اتمی بخش اصلی نیروی برق جهان را تأمین خواهد کرد. البته این همه درست از آب درنیامد».

ظاهراً برنامه‌های تولید برق اتمی به دلیل کاهش قیمت نفت و گاز در سال‌های متوقف ماند و از اولویت خارج شد اما هم اکنون این مسئله دوباره مطرح است؛ هم به دلیل گران شدن قیمت نفت و گاز و هم به دلیل افزایش دمای زمین به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی.

بخش پنجم این کتاب به رابطه با کشورها، سازمان‌ها و رهبران خارجی اختصاص دارد. یکی از موضوعات مهمی که در این بخش به آن اشاره شده است، عقد قرارداد عدم گسترش سلاح‌های اتمی است که توسط کشورهای آمریکا، شوروی و انگلستان در سال ۱۹۶۸ امضا شد و از کشورهای دیگر نیز برای پذیرش آن دعوت شد. ایران نیز در سال ۱۹۷۰ این قرارداد را امضا کرد. اعتماد، این قرارداد را بی‌سابقه می‌داند چرا که از این طریق کشورهای که امتیاز تکنولوژیک به‌دست آورده بودند، انحصار داشتن سلاح هسته‌ای را برای همیشه برای خودشان محفوظ نگه می‌داشتند.



در این زمینه برگزاری کنفرانس انتقال تکنولوژی هسته‌ای در تخت جمشید و شیراز که در سال ۱۳۵۵ برگزار شد، گام مهمی در حوزه انرژی اتمی ایران بود و حضور گسترده دانشمندان اتمی جهان و ارائه ۲۳۰ مقاله از ۴۱ کشور، مبین فعالیت و انسجام متخصصان این حوزه بود. این کنفرانس نشان داد که سیاست جدید آمریکا در جهت عقیم کردن فعالیت‌ها و برنامه‌های اتمی است و شانس این که مقبولیت جهانی پیدا کند را نخواهد داشت.

بخش ششم کتاب با عنوان رابطه دولت و عوامل صاحب نفوذ دولتی و غیردولتی، اشاره‌ای به مسائل سازمان انرژی اتمی ایران با سیستم اداری و دستگاه‌های اجرائی دارد. اعتماد برنامه هسته‌ای ایران را مورد عنایت و تأیید شاه دانسته و ابراز می‌نماید که کسی جرأت مخالفت با آن را نداشت. در این باره می‌گوید: «می‌خواهم بگویم کسی که می‌خواست به جنگ این فرد بیاید می‌بایست خیلی از خود مایه بگذارد، به‌ویژه اینکه کاری بود که آن‌ها نمی‌شناختند.» یکی از چالش‌های او، اختلاف بر سر مسائل مالی و سرمایه‌گذاری بود و اعتراض برخی رجال به نحوه پرداخت حقوق پرسنل در سازمان انرژی اتمی. همچنین پس از این که جمشید آموزگار به جای امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری رسید، فشارهایی وجود داشت تا برای احداث نیروگاه اتمی قراردادهاى خارجی بسته شود که مورد مخالفت زیاد اعتماد بود. این برنامه در جهت اهداف سوجدویانه اشرف پهلوی در دست اجرا بود. در سال ۱۳۵۷ ناآرامی‌های ناشی از مبارزات انقلاب اسلامی ایران، بعضی از مسئولان را به چاره‌اندیشی واداشته بود. لذا فهرستی از نام مسئولان عالی‌رتبه تهیه کردند و به‌تصویب هیئت‌وزیران رساندند تا آن عده بازداشت شوند. یکی از این افراد اعتماد بود. این مسئله باعث شد که اعتماد از سمت خود استعفا داده و در دی ماه ۵۷ کشور را ترک نموده و به پاریس برود. در آنجا دفتر مشاوره در رابطه با انرژی تاسیس نمود. سال‌ها بعد در دوره ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از او برای بازگشت به ایران دعوت به‌عمل آمد که نپذیرفت.

در سال ۱۳۸۵ برای نخستین بار پس از انقلاب به ایران بازگشت و مورد استقبال مسئولان وقت قرار گرفت.

بخش پیوست‌ها که شامل ۷۰ صفحه از این کتاب است، شامل قانون سازمان انرژی اتمی ایران، قرارداد منع گسترش سلاح‌های اتمی، چند غزل از اکبر اعتماد، نامه‌ها و پیام‌ها، تصاویر، احکام و نمایه است.

به‌طور کلی این کتاب که حاصل مصاحبه تاریخ شفاهی است، به‌لحاظ محتوایی بسیار پرمحتوا و مفید است و از منظرگاه‌های مختلفی می‌توان به آن نگریست و از آن استفاده کرد. بدون تردید در وهله اول تاریخچه جامعی از ایجاد و فعالیت سازمان انرژی اتمی ایران ارائه می‌نماید که امروزه از جایگاه بس حساس و پراهمیتی در کشور برخوردار است. همچنین به این لحاظ که مراحل



تأسیس یک سازمان اداری، گام به گام توضیح داده شده است، به لحاظ مدیریت کلان تجربیات مفیدی ارائه شده که قابلیت استفاده در سطوح مدیریت عالی سازمان‌ها را دارد. چگونگی برخورد با چالش‌ها و روش‌های حل و فصل آن‌ها از جمله نقاط قوت این کتاب است. روش جذب و پرورش نیروی انسانی در سازمان و نیز مدیریت منابع انسانی از جمله مواردی است که می‌توان در این زمینه از تجربیات آقای اعتماد استفاده بهینه نمود. مخاطب آقای اعتماد در این خاطرات نسل جوان کشور هستند و در چند جا نیز به این نکته اشاره شده است، او زندگی خود را الگویی می‌داند که می‌تواند راهگشای جوانان در انتخاب مسیر زندگی باشد. از دیگر نقاط قوت این کتاب، جذابیت و شفافیت متن آن است. اگر چه که اعتماد یک چهره علمی و دانشمند و متخصص است، لیکن بیان ساده، شفاف و گویائی دارد و خواننده می‌تواند به راحتی با مفاهیم کتاب ارتباط برقرار نموده و روایت‌ها را دنبال نماید. مصاحبه‌های زیادی که قبلاً با اعتماد شده بود، همچنین چاپ کتاب خاطرات وی که در امتداد کار اجرای طرح تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران صورت گرفته بود، ذهن و حافظه او را برای چنین مصاحبه‌ای آماده ساخته و اطلاعات جامع و کاملی در این کتاب ارائه شده است. بدون تردید ایشان به اطلاعات آماری و گزارش‌ها دسترسی داشته و توضیحات او مبتنی بر مستندات است که بر ارزش استنادی این کتاب می‌افزاید. یکی از جنبه‌های مثبت دیگر این خاطرات، معرفی اشخاص و افرادی است که در تشکیل و پیشبرد اهداف سازمان انرژی اتمی ایران نقش اساسی ایفا کرده‌اند و به این طریق هم قدرشناسی از آن‌ها صورت گرفته است و هم برای ادامه طرح، نشانه‌های خوبی ارائه شده است.

سؤال‌های مصاحبه، کیفی و تخصصی است و به‌طور منظم و همراه با نظم تاریخی طرح شده و راوی را همراهی می‌کند. متن کتاب کاملاً ویراستاری و تدوین شده است. به‌طور کلی متن یکدست بوده و از حالت گفتاری خارج و به‌صورت ادبیات نوشتاری تنظیم شده است. در پایان لازم است به این نکته نیز اشاره شود که مطالعه خاطرات مندرج در این کتاب، خواننده را با فضای زندگی فردی آشنا می‌سازد که پر از انگیزه برای تلاش نمودن و خدمتگزاری به کشور خود بوده و هست، انگیزه و تکاپویی که برخورد با مشکلات او را از پا نمی‌اندازد و مرتب در فکر راه‌حلهائی برای بازکردن راه به‌سوی جلو و آینده است. او خاطرات خود را برای نسل جوان بیان می‌کند، یعنی باز هم برای کانون انرژی پیش‌رونده و آینده‌نگر. در چنین فضائی «در پرتگاه حادثه» عنوانی است که نمی‌توان از آن چنین استنباطی کرد. هر چه که محتوای کتاب را می‌توان به رنگ سفید و روشنی و نور و امید دید، عنوان آن در ابهام و به‌رنگ خاکستری است که سرنوشتی از هم گسیخته را به ذهن متبادر می‌کند. شاید بهتر می‌بود که از انتخاب عنوان بازارپسندانه احتراز می‌شد و عنوانی درخور ارزش‌های معنوی آقای اعتماد انتخاب می‌شد.

